

اندیبرحمانه مجازات شوند.

(البته با در نظر گرفتن شرایط مخففه و سایر شرایط  
جهت تعلیق و اسقاط مجازات) -

در هر حال حمایت از اصل عدم تساوی مجازات در

این مبحث چنانکه گذشت چندان قابل دفاع نمیباشد و اگر  
روزی قانونگذار کشور ما خواهی نخواهی در تحت تأثیر افکار  
مادبون واقع شده است آرزو میشود که در حقوق جزائی جدید  
این نظریه نامیر خواهد شد. دکتر ابراهیم دکترزاده

دنباله شماره پیش

## تعلیق مجازات

در موقع تهیه و تنظیم طرح قانون تعلیق بمفهوم و  
معنای جامع و برآزنده برای آن در نظر گرفته و مؤلفین  
و کسانی که طرفدار جدی آن بودند بخود میگفتند همانا  
تعلیق و اعطای آن اجازه میدهد که مساعدت خاص و همراهی  
و اثره در حق گناهکاران مبتدی که لیاقت نیل بآن را دارند  
مبتذول گردیده و کاملاً برای تکرار کنندگان جرائم نقطه  
متضادی خواهد بود چه آنکه همانطور که نسبت باشخاص  
نامبرده و تکرار کنندگان گناهان رحم و شفقت مقتضی  
نبوده - عدل و انصاف مطلقه هم اقتضا دارد که از تنیدی و  
سختی اغماض نشود بهمان نحو مجرمی که بار اول ارتکاب  
گناه است قابل اصلاح میباشد - تعلیق را وابسته مجازات  
اوقرار دهند.

\*\*\*

بالاخره بنظر میآید که بوسیله تعلیق سیاست  
ماهرانه جزائی اعمال گردیده و خلاصه آنکه بمحکوم نفع  
بالانری اخلاقاً ارزانی شده و باو میفهماند که چنانچه رفتار  
خوبی داشته باشد گناه او پامال شده و از دفتر چه زندگی  
او شسته خواهد شد و در صورتیکه عمل ناشایست دیگری از  
او سر زد ناچار هم مجازات سابقه را خواهد داشت و هم مجازات  
گناه بعدرا.

\*\*\*

با وصف این به تعلیق که رفرم جدیدی  
در مجازات است ایراداتی نموده اند که ذیلاً تشریح  
می کنیم :-

۱ - آنکه با اجراء تعلیق عدالت مطلق حکم -

فرما نشده و قوانین يك نواخت در معرض عمل  
گذاشته نمیشوند.

چه آنکه دو گناه که از يك سنخ از دونفر سر زد و  
رفتار مختلف درباره آنان معمول میشود: این تفاوت برای چیست؟  
فقط برای اینکه یک نفر در اولین بار ارتکاب گناه  
است و گناه دیگری این است که مرتکب گناه دیگر هم  
شده بوده است!

مسلم است که اجراء تعلیق مثل نفی بلد که فوائد  
دیگری را برای تکرار کنندگان جرائم دارد نتیجه يك  
سیاست مفید جزائی است که فوائد معنوی بیشماری همانطور  
که در فوق گفتیم دربردارد.

ترس از مجازات پیش از خود مجازات برای کسانی که  
همه وقت با عفت و پاکدامنی زیست کرده اند مؤثر بوده و  
نتایج اخلاقی آن برای جامعه بیش و بیشتر است و از طرف  
دیگر نباید زیاده روی و غلو در اجراء تعلیق روا داشت  
چه آنکه در همه موارد خوش آیند نبوده و وقوع هیمنه تعقیب و  
اجراء مجازات را از بین برده و گناهکاران را در بیشگاه عدالت جری  
و گستاخ میگرداند.

۲ - اصل تعلیق و طبیعت و نفوذ آن در عامه مردم  
این فکر را ایجاد میکند که جرم اولی همیشه بلا تعقیب و  
پایمال خواهد شد اولین گناه آشکاری که از مجرم سر زد  
و در دست مأمورین کشف جرائم افتاده است در مقام دادرسی  
بخشودگی دارد.

و اتفاقاً زیاده روی هائی هم از طرف قضاة معمول  
می شد این امر را برای افراد ناسلم کرد که يك بار ارتکاب  
گناه در نظر قانون و در مقابل دادرسان عیبی نخواهد داشت

سال ۱۹۲۵ طرح قضائی را تهیه و مورد موافقت و تصویب واقع گردید .

در مقابل هیاهوئی که تعلیق ایجاد کرده و جنبه رأفت و عطفی که قانون گذاران و دادرسان در این مورد حاصل نموده بودند فکراً و بختودگی کاملی نسبت به گناهکاران برای هر کس ایجاد شد و از خود سؤال میکردند که در این صورت شایسته و مناسبتر آن است که بخشودگی کاملی بمقرر اعطا شده و بطور کلی معافیت اجرای مجازات داده شود حتی طرح قانونی در ۱۹۱۸ نیز تهیه گردید که مورد تصویب مجلس مبعوضان واقع نشد و تنها انتقادی که از طرح مزبور میکردند این بود که عفو و بخشودگی تعقیب امر جزائی را ضعیف نشان داده و حس رأفت در عدم تعقیب جرائم ایجاد میکند خلاصه مکافات گناه و ارتکاب آن بی اثر خواهد بود.

### شرایط تعلیق

شرایط تعلیق مربوط ب بررسی در سه موضوع است :

۱ - محکومیت هائی که ممکن است مورد تعلیق واقع شود .

۲ - کسانی که میتوانند از تعلیق استفاده ببرند .

۳ - دادگاه هائی که میتوانند تعلیق را اعطا کنند .

### الف - محکومیت های مورد تعلیق

شالوده و مبنای فکر اولیه مؤلفین و مبتکرین قانون تعلیق این بوده است که تعلیق فقط راجع بحبس و توقف در زندان بوده و روی جرایم نقدی دور نمیزده است چه بطوریکه در فوق مذکور افتاد نفع اجتماعی که این مؤسسه قضائی در نظر گرفته و پیروی از آن میکرد این بوده است که برای مقصرین ابتدائی و کسانی که از اقامت در زندان تصور میکردند مفاسد بیشتری عایدشان میشود بپرهیزند ولی در ضمن جریانات کارهای مقدماتی قانون تعلیق یک فکر و نقش دیگری بمرصه ظهور بیوست و آن اعطاء تعلیق نسبت بمقصرینی است که بجزای نقدی محکوم شده اند چنانکه در ماده اول قانون که مینویسد:

ناتمام - علی اصغر شریف

آمار قضائی زیاده رویهای قضات را نشان داده و معلوم است که دادرسان در مقام دادرسی از نتایج خوبی که از اجراء تعلیق برده بودند تحریک شده و نسبت بهمه کس در پیشگاه ارتکاب گناه اول اعمال میداشتند .

مثلاً در فرانسه در ۱۸۹۲ تعلیق به نسبت صدوده روی هزار بوده و در ۱۹۰۷ به نسبت ۳۲۸ روی هزار شده است یعنی تقریباً یک نلک از محکومین از نتایج تعلیق استفاده رده و از مکافات گناهان ایمن و برکنار بوده اند ! باوجود خطرات حتمی و معایبی که در کار تعلیق هویدا است و برعایه آن مبارزه شده و ناندازه هم توفیق حاصل گردیده معیناً نمیتوان از تعلیق و محاسنی که برای جامعه در مردم از خود بیادگار گذاشته است چشم پوشی کرد و همین مناسبت است که تعلیق را یکی از سیاست های مؤثر و نافذ امر جزائی میدانند چه آنکه نمره خوب و نیرومندی که از آن بدست آورده و قابل کتمان نیست همانا نقصان گناه و تقلیل جرائم است که از آمار قضائی سال ۱۸۹۱ و ۱۹۰۵ این مسئله روشن و مبرهن گردیده و امری که بیشتر مؤید این معنی و خوبیها و ثمرات نوشین آنرا ثابت میکند این است که خیلی کم اتفاق افتاده که رسته تعلیق گسسته شده و گناهکاران از رفتار خوب خود در ایام قدرت دست کشیده باشند همین پرورش اخلاقی و توضیح فکری مجرمین باعث خشنودی و نشان دادن ثمرات نیکوی تعلیق است و کم اتفاق افتاده مجرمی که تعلیق در حق او اجرا شده رفتار خوبی برای خود پیش نکشیده و شماره این دسته از مجرمین از ۱۰۰ در ۱۰۰ تجاوز نمی کند .

\*\*\*

باید بخاطر داشت که از رویه فرانسه نسبت باتخاذ امر تعلیق در امور جزائی کم کم در کشورهای دیگر پیروی شده و اصل مزبور مورد قبول آنها واقع شد چنانکه در ۱۸۹۲ کانون ژنو طرح تعلیق را در قانون جزا وارد کرد در ۱۸۹۳ پرتغال در ۱۹۰۴ ایتالیا در ۱۹۰۸ اسپانی و خلاصه امروزه در تمام کشورهای اروپا این امر در اجراء امور جزائی ریشه دوخته شده است در قانون آلمان تا این اواخر تعلیق وجود نداشته فقط قوه اجرائیه این اختیار را اعمال میکرد که در حقیقت صورت اداری بخود گرفته بود تا اینکه در